

اشعار مولانا در چهارمین جلسه

# شرح داستان دقوقی و ابدال

ایرج شهبازی

زمستان ۱۳۹۸

## احکام به معنی «قانون‌ها و فرمان‌های خدا در انجیل»:

او به ظاهر واعظ احکام بود      لیک در باطن صغیر و دام بود

(مثنوی معنوی، دفتر اول، بیت ۳۶۵)



## «احکام مسیح»:

اینک این طومار و احکام مسیح      یک به یک برخوان تو بر اُمت فصیح

(مثنوی معنوی، دفتر اول، بیت ۶۵۶)



## احکام به معنای قضاوت‌های قاضی در مورد مجرمان و متهمان:

این یکی حُکْمَتِ چنین بُد در قضا      که تو را آورد سیلی بر قفا  
وای بر احکامِ دیگرهای تو      تا چه آرَد بر سر و بر پای تو؟

(مثنوی معنوی، دفتر ششم، بیت‌های ۱۵۷۲ و ۱۵۷۳)



## ظاهراً مولانا در ابیات زیر باز احکام را به معنی حکم قاضی به کار برده است:

چيست «حَبْلُ اللَّهِ»؟ رها کردن هوا      کاین هوا شد صَرَّصَرِي مر عاد را  
خَلْق در زندان نشسته از هواست      مرغ را پَرها بیسته از هواست  
ماهی اندر تابه گرم از هواست      رفته از مَسْتورِیان شَرْم از هواست  
چشم شحنة شعله نار از هواست      چارْمیخ و هیئتِ دار از هواست  
شحنة اجسام دیدی بر زمین      شحنة احکامِ جان را هم بین!  
روح را در غیب خود اشکنجه‌هاست      لیک تا نَجْهی، شکنجه در خفاست

(مثنوی معنوی، دفتر ششم، از بیت ۳۴۹۳ تا بیت ۳۴۹۸)



### احکام به معنی ویژگی‌ها و خصوصیت‌های یک بیماری:

عشق را در پیچشِ خود یار نیست	مَحْرَمَش در دهِ یکی دَیّار نیست
نیست از عاشق کسی دیوانه‌تر	عقل از سودای او کور است و کر
ز آن‌که این دیوانگیِ عام نیست	طب را ارشادِ این احکام نیست
گر طیبی را رسد زین گون جنون	دفترِ طب را فروشوید به خون

(مثنوی معنوی، دفتر ششم، از بیت ۱۹۷۸ تا بیت ۱۹۸۲)



### «احکام قدر»:

گفت: نادر چیز می‌جویی، ولیک	غافل از حُکم و قضایی، بین تو نیک!
ناظرِ فرعی، ز اصلی بی‌خبر	فرغِ ماییم، اصل احکامِ قَدَر
چرخِ گردان را قضا گُمره کند	صد عطارد را قضا ابله کند
تنگِ گرداند جهانِ چاره را	آب گرداند حدید و خاره را

(مثنوی معنوی، دفتر پنجم، از بیت ۲۸۹۵ تا بیت ۲۸۹۸)